



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن، املاء و انشاء این نوشته به دوش خود نویسنده میباشد



۲۰۱۷/۱۲/۰۶

بصیر صباح

کشور ویرانه، مردم گرسنه و...

قسمت اول



«اگر با دیدن هر بیعدالتی

باز هم من و...

پر خشم و قهر شوی

رفیق من هستی.»

چه گوارا

باز این دل از غمی دیرینه لبریز است بهار در دهکده ما پاییز است
باز می لرزد شاخه های بید سرگردان باز میریزد فرو بر چهره ام باران
باز رنجورم خداونا پریشانم باز می بینم که بی تابانه گریانم
باز این دنیا غم انگیز است

میدانی بهار پائیز است و مرگ شرافتها

بیاید بر ضد چپاولگران برخیزیم

من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه بر می خیزند.

کنفوسیوس: در این غم نباشید که چرا به فلان مقام نرسیده اید. در این فکر باشید که آیا لیاقت آن مقام را دارید. از



این غم نخورید که چرا مشهور نیستید بلکه بکوشید تا شایسته شهرت شوید.

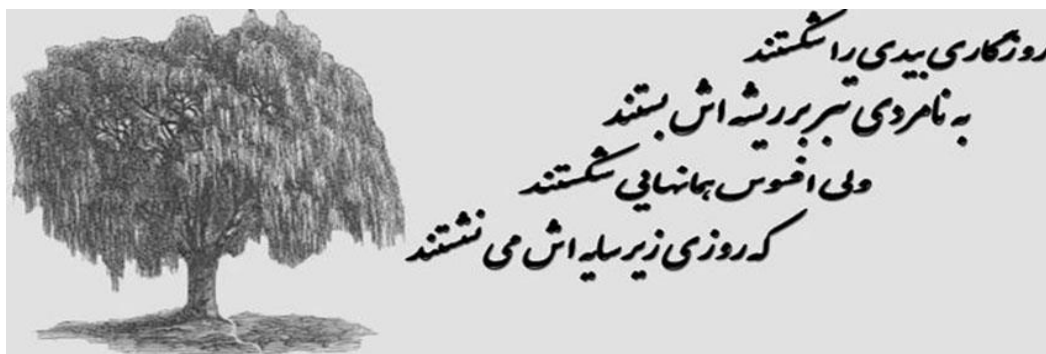
مرد بزرگ به فکر صفات خویش است و مرد پست به فکر جاه خود، اولی از اشتباه و خطای خویش می ترسد و دومی از بی مهری دیگران.

مرد بزرگ در جست و جوی حق است و مرد پست به دنبال منفعت. من هر روز از سه جهت در خود می نگرم

اول آنکه آیا در رفتار با دیگران از حکم وجدان سر نمی تابم؟ دوم آنکه آیا با دوستان از راه صدق و صفا بیرون نمی روم؟ سوم آنکه در هدایت دیگران آیا خود بر خلاف آنچه تعلیم می دهم عمل نمی کنم؟

آدم های وطن ما

در اجتماع کنونی، آدمهای را می یابیم که متاسفانه با گذاشتن يك نقاب دروغین بر چهره واقعی خود و یا نقش بازی



کردن، در کنار واقعیت ها زندگی میکنند! اما این نقاب همواره از چهره واقعی آنان برداشته میشود، چرا که چهره واقعی زیر نقاب بالاخره روزی خود نمایی خواهد کرد و حقیقت روشن خواهد شد. همچنین فردی که با شخصیت دروغین خود، زیر نقاب زندگی میکند، تنها کسی است که واقعیت امر را به خوبی میداند و از آن آگاهی کامل دارد. البته هر قدر فرد بتواند استادانه تر عمل کند، شاید بتواند خود را پنهان دارد و مردم را کماکان بفریبد! چرا که فرد تا

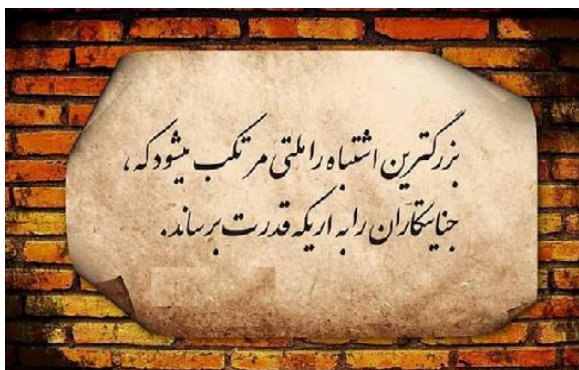
آخرین لحظات حیات خود زیر نقاب خویش، به ایفای موفق نقش مشغول است. و این توفیق کاذب، برای او پاداشی به حساب میاید و همواره شاید برای آنان نوعی مفهوم داشته باشد، اما از نظر عموم انسانها، چنین زندگی به مفهوم واقعی زنده بودن و زندگی کردن نیست. آنان با دیگران پیوندی ندارند. آنان تنها هستند و تنها میمانند! انسانهای جفنگ که در ظاهر خود را چیزفهم میدانند اما عادت دارند، بیش از اینکه گوش دهند، صحبت میکنند. خود را وارد هر گفت و گویی می کنند که با توسل به دروغ هم که شده خود را مطرح می سازند. اینان تحمل پذیرش اشتباهات خود را ندارند. خود را همواره حق به جانب میدانند. آنها پیشنهادات را رد میکنند، چرا که پذیرش آنها را نوعی فرودستی میدانند.

یکم دهه چپاولگری

در طول پانزده سال گذشته تقریباً همه کمک های خارجی فقط در کیسه اطرافیان و کابینه کرزی و احمدزی فرو رفت و با همین پول هاست که صلاح الدین ربانی، یونس قانونی، برادران کرزی و فهیم، رسول سیاف، خانواده مجددی و گیلانی، رحیم و فاروق وردگ، قاضی القضاات و لوی څارنوال، احدی و زاخیلوال، وزیران و والایان، دبل عبدالله و امرالله صالح، گل آغا شیرزی و وارثین حاجی قدیر، اسدالله خالد و بسم الله محمدی، عطا محمد والی بلخ و حاجی نبی و کامگار شریک پیدا و پناهش، انوری و شیخ آصف محسنی، سفیرانی وابسته به حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی، ملا تره خیل، الله گل مجاهد و دیگران یکباره صاحب ملیارها دالر، شهرک های خصوصی و بلدینگ ها و شرکت های تجاری گردیدند و هر کدام خود را قدرت های مستقل در کشور می دانند و هیچ نیرویی قادر به کنترل آنها نیست. همچنان بیشترین پروژه های بازسازی، امنیتی و اقتصادی مؤسسات بین المللی نیز در اختیار همین ها قرار دارد. اسناد افشا شده محرم دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا نشان می دهد که کرزی از جانب حلقه های داخلی خود ضعیف و در برخی از مواقع بی توجه به نیک و بد خوانده شده است.



چپاولگران در چپاولخانه وطن



از خانواده کرزی و احمدزی تا معاونان شان متهم به فساد اداری بودند و هستند، اما تا هنوز کسی در پیوند با فساد اداری محاکمه نشده است. کرزی و احمدزی با اعضای خانواده و معاونان شان برخی از بانک ها را تاراج کرده اند اما هیچ یک از آنان به محکمه کشیده نشده اند. در همین حال وی موضع گیری در برابر ارتشا و فساد را در برابر وزیر مالیه قابل توجه می

دانند. پس از افشای حساب های بانکی وزیر مالیه و چگونگی واریز شدن پول های بانکی به حساب وی در چند سال گذشته رئیس مشرانو جرگه موضع گیری اداره مبارزه با فساد اداری را در برابر وزیر مالیه پرسش برانگیز می داند و از کوتاهی شورای ملی در بررسی این دوسیه انتقاد کرده اند. نمایندگان خواهان ارائه معلومات درست و شفاف از سوی حکومت در مورد این پول ها شده بودند: زاخیلوال باید در این مورد به مردم افغانستان پاسخگو می بود.

نیویارک تایمز می نویسد که گمرک عمده شمال در چنگ عطا محمد و گمرک سپین بولدک در چنگ جنرال عبدالرزاق قوماندان امنیه قندهار است، اما ما عمدتاً آن را سند فساد شخص زاخیلوال می دانیم چون اگر او خود در این خیانت ملوث نمی بود، هرگز سرمایه ملی به این پیمانه وسیع توسط زیردستانش به یغما نمی رفت. این اسناد نتیجه بررسی و تحقیق هیأت مشترک اداره امنیت ملی، لوی څارنوالی و ریاست عمومی نظارت و مبارزه علیه فساد از دو بندر حیرتان و تورخم و گمرک های بلخ و ننگرهار است. این تحقیق به درخواست اداره مبارزه علیه فساد اداری و فرمان ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفته است.

پایان بخش اول

ادامه دارد

